

## مقدمه

کتاب مبانی تکملة المنهاج، تألیف آیت الله العظمی خوئی، به طوری که از عنوان آن پیداست تکمیل کننده مباحث کتابی با نام المنهاج است. آیت الله العظمی سیدمحسن حکیم کتابی را در فقه با عنوان منهاج الصالحین به زبان عربی تألیف نمود ولی مباحثی چون قضا، شهادت، حدود، تعزیرات، قصاص و دیات را در اثر مذکور نیاورد و شاید عدم طرح آن فروع به جهت اختلاف نظری است که در زمینه جواز و عدم جواز اقامه حدود و تصدی منصب قضا در عصر غیبت باشد. آیت الله خوئی از جمله فقهای هستند که اقامه حدود را در عصر غیبت جایز می دانند و آن را به مشهور نسبت می دهند و معتقدند مخالفی در این مسئله وجود ندارد جز ابن زهره و ابن ادریس که اقامه حدود را وظیفه امام یا منصوب از جانب امام می دانند و محقق در شرایع و علامه در برخی از آثارش در مسئله فوق توقف نموده اند؛ در حالی که قول اظهر آن است که اقامه حدود توسط حاکم شرع جامع الشرایط در زمان غیبت جایز است به دو دلیل: اولاً، اقامه حدود به جهت وجود مصلحت عمومی و دفع فساد و جلوگیری از نشر فجور و طغیان بین مردم تشریح شده است و اختصاص آن به زمان خاص با امور مذکور منافات دارد و مسلماً حضور امام مدخلیتی در تشریح آن ندارد و همان طور که در زمان حضور اقتضا و تشریح احکام مذکور موجود است در زمان غیبت نیز چنین است. ثانیاً، ادله حدود از کتاب و سنت مطلق و غیر مقید به زمان خاصی است، مانند «الزانیة و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة» (نور/۲) و یا «السارق و السارقة فاقطعوا أیدیهما» (مائده/۳۸) این آیات دلالت دارند بر اینکه اقامه حدود ضروری است و نسبت به اینکه متصدی اجرا چه کسی باشد دلالتی ندارد.

البته معنای این سخن آن نیست که هر فردی از افراد جامعه می‌تواند خود اقدام به اقامه حدود نماید؛ زیرا، این امر موجب اختلال در نظام اجتماعی می‌شود و روایاتی چون صحیحہ داود بن فرقدا<sup>۱</sup> و اسحاق بن یعقوب<sup>۲</sup> و حفص بن غیاث<sup>۳</sup> بر ممنوعیت اقدام فردی دلالت دارد.

اما استدلال بر عدم جواز اقامه حدود در عصر غیبت با روایتی که در دعائم الاسلام از امام صادق (ع) نقل شده که «لا یصلح الحکم و لا الحدود و لا الجمعة الا بامام» به سبب مرسل بودن روایت مورد قبول نیست.<sup>۴</sup>

به نظر اینجانب قول مشهور قوی است به دو دلیل: اولاً، در صورت عدم اجرای حدود و تعزیرات و عدم تصدی منصب قضاوت، این امور تعطیل می‌شوند و ثانیاً، آیات و روایات بسیاری که در این زمینه وارد شده‌اند، نادیده گرفته می‌شوند و صرفاً به مسلمانان صدر اول اسلام اختصاص می‌یابند. آیت‌الله خوئی با توجه به ضرورت طرح مباحث مذکور و تکمیل مباحث فقهی منهاج الصالحین به تألیف تکملة المنهاج مبادرت نموده و علاوه بر طرح فروع جزایی اسلام در حوزه قضا، شهادت، حدود، تعزیرات، قصاص و دیات مبانی فقهی آنها را از آیات و روایات به صورت اجتهادی بیان کرده‌اند.

مبانی جمع مبنی اسم مکان است. یعنی در این اثر تحقیقی مستندات و تکیه‌گاه احکام با روش استدلالی ذکر شده‌اند که عبارت‌اند از: کتاب، سنت، اجماع و عقل. بدیهی است ذکر مبانی احکام ضامن اجرای قانون است. یعنی هرچه مبنای حکمی قوی‌تر باشد، اجرای قانون مبتنی بر آن مبنی نیز قوی‌تر خواهد بود.

لازم است در این مقدمه مطالبی را به اختصار درباره ادله اربعه که بین امامیه مورد پذیرش است بیان کنیم:

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۸، باب ۲ از ابواب مقدمات حدود، ح ۱.

۲. همان، ج ۱۸، باب ۱۱ از ابواب صفات قاضی، ح ۹.

۳. همان، ج ۱۸، باب ۲۸ از ابواب مقدمات حدود، ح ۱.

۴. رک. مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۲۲۴-۲۲۷.

۱. کتاب: مراد از کتاب کتابی است که خداوند متعال آن را به پیامبر اسلام (ص) با الفاظ و معانی و اسلوب خاص نازل فرموده و از آن «قرآن» تعبیر کرده است به گونه‌ای که پیامبر (ص) در الفاظ و صیغه‌های آن هیچ‌گونه دخالتی نداشته است.<sup>۵</sup> هر کس قرآن را از مخترعات پیامبر (ص) بداند و به الفاظ و معانی صیغ الهی قائل نباشد به کتاب آسمانی ایمان نیاورده است. «نزل به روح الامین علی قلبک ... بلسان عربی مبین» (شعراء/۱۹۶) در اصول مظفر آمده است: «و هو المصدر الأول الاحکام الشریعة الاسلامیة و اما ماسواء من سنة او اجماع او عقل فالیه ینتهی و من منبعه یتسقی:»<sup>۶</sup> و آن (قرآن) مصدر اول احکام شریعت اسلامی است و مابقی: سنت و اجماع و عقل به آن منتهی و از چشمه زلال آن سیراب می‌شوند.

۲. سنت: سنت در اصطلاح برادران اهل سنت و جماعت عبارت است از: قول و فعل و تقریر نبی اکرم (ص) و در اصطلاح فقهای امامیه: قول و فعل و تقریر معصوم. بنابراین، قول و فعل و تقریر ائمه معصومین نیز بر بندگان خدا حجت و واجب‌الاتباع است. پس سنت عبارت است از: قول و فعل و تقریر معصوم.<sup>۳</sup>

۳. اجماع: از دیدگاه امامیه اجماع در مقابل کتاب و سنت، اصل مستقلی نیست بلکه در صورتی حجت است که کاشف از سنت باشد و گرنه نمی‌توان در اثبات حکم شرعی به آن استناد کرد و اگر کاشف از سنت باشد در آن صورت نیز منکشف حجت است نه کاشف.

۴. عقل: آنچه از دیدگاه امت اسلامی مسلم است اینکه: حاکم در احکام شرعی فقط خداست. قرآن کریم از آن حکایت می‌کند و سنت کاشف از آن است یعنی پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) از احکامی که نزد خداوند متعال تشریح شده خبر می‌دهند. بنابراین، عقل حاکم نیست بلکه مدرک است، پس عقل نیز دلیل اصلی نیست بلکه در صورتی حجت است که بین ادراک آن و حکم شرعی ملازمه

۵. اصول العامه، محمدتقی حکیم، ص ۹۹.

۶ و ۳. اصول مظفر، ج ۲، ص ۶۱.

ثابت باشد. پس در این صورت نیز آنچه حجت است حکم شرعی است نه عقل. تفصیل این اجمال در اصول فقه آمده است. بنا بر آنچه بیان شد، درباره دلیل عقلی از دو نظر می توان بحث کرد: اولاً، عقل مدرک است نه حاکم پس حکم ندارد. ثانیاً، عقل آدمی از ادراک ملاکات همه احکام عاجز است، زیرا شارع آنها خالق عقول است و عقل هر جا بتواند آن را درک کند حکم شرع آنجا وجود دارد؛ پس عقل در این موارد کاشف از حکم شرع است؛ از این رو عقل نیز مانند اجماع دلیل مستقلی نیست. مضافاً اینکه در این کتاب که مؤلف منابع تکمله را مشروحاً بیان کرده است در یک مورد نیز به دلیل عقلی استناد نکرده است و شیخ مظفر (قده) که در دلیل عقلی قلم فرسایی کرده و برای کاربرد آن مثالهایی آورده، به غیر از دلیل عقلی به ادله دیگر نیز استناد کرده است. به هر حال در فقه موردی نیست یا لا اقل من ندیده‌ام که به دلیل عقلی استناد شده باشد. پس از آنچه بیان گردید می توان نتیجه گرفت که اجماع و عقل نقش مؤید و کاشف از آنها را دارند. منابع احکام شریعت منحصر در کتاب و سنت است والله العالم.

در این اثر علاوه بر ترجمه متن و پاورقیها در مواردی آراء و استدلالهای مؤلف مبانی تکملة المنهاج تبیین شده و احیاناً مطالب تکمیلی با روش استدلالی فقهی بیان گردیده که آنها را با علامت (\*) مشخص کرده‌ایم و در صورت ذکر مطالب افزون بر متن و پاورقی تکملة المنهاج آنها را در داخل پرانتز آورده‌ایم. در فهرست نام کسان تنها فقهایی ذکر شده‌اند که در متن کتاب نظر آنان آمده است. انگیزه این اقدام، اولاً، علمیت کتاب و نکات دقیق آن بوده است و ثانیاً، عرض ارادتی بود به ساحت استاد حضرت آیت الله العظمی خویی و ثالثاً، ارائه خدمتی، هر چند ناچیز، به اهل علم و دانشجویان عزیز فقه و حقوق؛ البته با آگاهی از بضاعت مزاجه خود.

در پایان وظیفه خود می دانم از همه دست‌اندرکاران سازمان سمت به ویژه استاد ارجمند جناب آقای دکتر احمد احمدی که بر گردن این بنده حقوق بسیاری

دارند و نیز از سرکار خانم عذرا قبله‌ای که در ویرایش آن بیش از حد معمول قبول زحمت نموده است، تشکر کنم. جزاهم الله خیر الجزاء.

از محضر اساتید محترم، مدرسان این اثر و دانشجویان عزیز تقاضا دارم ضمن اغماض از کمبودهای احتمالی این اثر موارد اشکال را از طریق سمت به بنده منتقل کنند تا در چاپهای بعدی اعمال نمایم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

خلیل قبله‌ای خویی

۱۳۸۹